

## ارتش و کودتای شکست خورده ۲۵ مرداد

سید محمد شهیدی<sup>۱</sup>

چکیده:

ارتش نوین ایران پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تشکیل شد و در دی ۱۳۰۰ به طور رسمی آغاز به کار کرد. واحدهای نظامی در قشون متحد الشکل ادغام شدند و تحت نظر وزارت جنگ و فرماندهی واحدی قرار گرفتند. کلیه واحدهای نظامی و انتظامی تا پایان سلطنت رضا شاه از حوزه نظارت قوه مقننه، قوه مجریه و کابینه خارج و زیر نظر مستقیم رضاشاه بودند. اشغال ایران از طرف متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰ به فروپاشی ارتش انجامید. اما ضرورت حفظ ارتش برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و تسلط بیگانگان به بخشی از خاک ایران باعث شد که حکومت مرکزی و سیاسی کشور به بازسازی ارتش بپردازد و محمدرضا شاه فرمانده کل قوا، با کمک ایالات متحده ارتش را بازسازی و در اختیار خود قرار دهد. پس از ملی شدن صنعت نفت دکتر مصدق به نخست وزیری رسید اما دولت تسلطی بر عملکرد نظامیان نداشت. نظامیان به تشویق دربار به مخالفت با دکتر مصدق می پرداختند از این رو مصدق تصمیم گرفت با در اختیار گرفتن منصب وزارت جنگ سلطه دربار را بر ارتش کم رنگ کند و سیطره دولت را بر ارتش بیشتر کند. پس از ۳۰ تیر مصدق آن چنان قدرت و دربار از آن چنان ضعیف برخوردار بود. دکتر مصدق برای وادار کردن شاه به سلطنت و نه حکومت بود با این وجود، روابط مصدق با مجلس از یک سو و با شاه از سوی دیگر به پایان راه و بن بست نزدیک می شد. هدف پژوهش حاضر آشنایی با مواضع و عملکرد نیروهای نظامی و انتظامی (به طور کلی ارتش) در قبال دولت دکتر محمد مصدق و تأثیر آن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می باشد.

**کلید واژه:** ارتش ایران، محمدرضا شاه، مصدق، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

### ۱- مقدمه

در سرتاسر تاریخ ایران، ارتش از اهمیت سیاسی و نظامی و اجتماعی بزرگی برخوردار بوده است. هر کشوری برای حفظ مرزهای خود در مقابل تهاجمات خارجی و همچنین برای محافظت از امنیت داخلی خصوصاً در برابر کانون های سیاسی، اجتماعی، ضد حکومت نیاز به قوای نظامی و انتظامی (ارتش) دارد، چون عملکرد گروه های حاکم بر جامعه با خواست های مردم هماهنگ و گاه متعارض است، وجود این دو نیرو که معمولاً در پیوند و همدست یکدیگرند در جامعه ضروری است. این دو نیرو در اکثر جوامع سنتی و از جمله در ایران چنان ساختار مشترکی هستند که گاه تفکیک آنها مشکل است.<sup>۲</sup> از لحاظ اهمیت موضوع باید این نکته را به یادداشت که در دوره حکومت رضا شاه ساختار قشون متحد الشکل و به طور کلی ارتش نوین ایران بنا نهاده شد و ارتش به عنوان رکن اصلی قدرت در حکومت پهلوی تبدیل شد و دولت و مجلس هیچ نقشی در نیروهای نظامی کشور نداشتند و کنترل کامل ارتش در دست رضا شاه بود و ارتش پیوستگی زیادی با سلطنت داشت و مع الوصف ارتش پشتیبان حکومت پهلوی بود.

با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دولت مطلقه رضا شاه، ارتش نوینی را که او تشکیل داده بود از هم فروپاشید. با روی کار آمدن محمد رضا شاه، او به عنوان فرمانده کل قوا منصوب شد و با کمک ایالات متحده آمریکا ارتش را بازسازی و در اختیار خود گرفت. ارتش بازسازی شده در سال ۱۳۲۵ در مقابله با جدا سازی آذربایجان نقش مؤثری ایفاء کرد و مدتی بعد رزم آرا ریاست ستاد ارتش را بر عهده گرفت و به تقویت آن پرداخت. ارتش در این دوره تحت تأثیر گروه های گوناگون سیاسی قرار داشت و به تأثیر پذیری از فضای سیاسی کشور، گروه هایی چون سازمان نظامی افسران حزب توده، کانون افسران بازنشسته و سازمان افسران ناسیونالیست پدید آمد و به گسترش نقش خود در ارتش تأکید داشتند. پس از ملی شدن صنعت نفت، دکتر مصدق به نخست وزیری رسید. اما دولت تسلطی بر عملکرد نظامیان نداشت و نظامیان به تشویق دربار به مخالفت با سیاست های دکتر مصدق می پرداختند و از این رو دکتر مصدق با در اختیار گرفتن منصب وزارت جنگ سعی می کرد سلطه ی دربار را بر ارتش کم رنگ کند و سیطره ی دولت را بر ارتش بیشتر سازد. پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شاه مجبور بود با سیاست های دکتر

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد، smsshad@gmail.com

<sup>۲</sup> تکمیل همایون، ناصر، تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۶، صص ۹-۱۱.

مصدق همراهی کند و شاه مجبور شد که ریاست وزارت جنگ را به دکتر مصدق واگذار کند زیرا در آن مقطع شاه توانایی مقابله با افکار عمومی را نداشت. تلاش دکتر مصدق برای وادار کردن شاه به سلطنت و نه حکومت بود با این وجود روابط دکتر مصدق با مجلس از یک سو و با شاه از سوی دیگر به پایان راه و بن بست نزدیک می شد.

به نظر می رسد در این دوره ۱۲ ساله از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ارتش و سلطنت توانستند به موازات با یکدیگر قدرت از دست رفته را احیاء کنند و به پیوستگی قبل از شهریور ۱۳۲۰ برسانند. در این میان ارتش در اختلافاتی که بین دربار با دکتر مصدق وجود داشت به طرفداری و حمایت از دربار و شاه نقش بازی می کرد. دکتر مصدق برای از میان برداشتن موانع و هموار کردن مسیر دولت و برنامه های خود به پشتیبانی افکار عمومی و روندهای مسالمت آمیز متکی بود. اما مخالفین منتظر فرصت مناسب برای کودتا و توسل به نیروهای نظامی برای سرنگونی او بودند. رد پای کودتا بر ضد دکتر مصدق را می توان از اوایل زمامداری او در تیر ۱۳۳۰ دنبال کرد. به نظر می رسد محافل سیاسی داخلی کشور حتی پیش از انگلیسی ها و آمریکایی ها در فکر کودتا و برکناری دکتر مصدق بوده اند. وقوع کودتای ۲۸ مرداد و نقش افسران نظامی در سرنگونی دولت دکتر مصدق بیانگر آن است که دکتر مصدق در نیل به این هدف خود برای تسلط بر ارتش ناکام مانده است. زیرا دکتر مصدق معتقد بود که ارتش باید زیر نظر و کنترل غیر نظامیان و توسط آنها اداره شود و ارتش با سرنگونی دولت دکتر مصدق و جایگزین کردن یک فرد نظامی به قدرت نمایی پرداخت. در این پژوهش سعی شده است که دوران چند ماهه دولت دکتر مصدق را که از جمله دوران مهم و حساسی از تاریخ معاصر ایران می باشد بررسی و گرایش های سیاسی افسران ارتش را در دوره دوساله دولت دکتر مصدق و تأثیرات متقابل ارتش و سیاست را مورد ارزیابی قرار دهد.

## ۲- ارتش و کودتا

مهم ترین عامل اصلی اجرای کودتا، کشاندن نظامیان در صفوف کودتاچیان و رخنه در ارتش بود. با این وجود بخش قابل توجهی از فرماندهان ارتش به شاه وفادار بودند. «آنها موجودیت خود را در بقای «ارتش شاهنشاهی» و بقای ارتش را به نوبه خود در استمرار قدرت سلسله پهلوی و شاه می دانستند.»

با توجه به استراتژی و رویکرد دکتر مصدق در حفظ سلطنت و با ادامه نهضت ملی، بقایای تسلط شاه بر ارتش و وفاداری ارتش به شاه را به خطر می انداخت. با وسعت یافتن دامنه اقتدار دکتر مصدق و در اختیار گرفتن وزارت جنگ، تعیین رئیس ستاد ارتش، انتخاب افسران ناسیونالیست و بازنشسته کردن افسران قدیمی طولی نکشید که دکتر مصدق بر ارتش مسلط شد. در مورد تسلط دکتر مصدق بر ارتش که حتی مخالفان او و سلطنت طلبان نیز به آن اذعان دارند ذکر این موضوع لازم است که اگر اکثریت کادر افسری ارتش از شاه پشتیبانی میکرد و به شاه وفادار بود، شاه برای براندازی دولت مصدق مجبور به استفاده از سرویس های جاسوسی انگلیسی و امریکایی و صرف میلیون ها دلار هزینه نبود. شاه از ماه های قبل از کودتا به دنبال از سر راه برداشتن دکتر مصدق بود و توطئه سی تیر و نه اسفند ۱۳۳۱ و توطئه، ربودن و قتل افشار طوس رئیس شهربانی در همین راستا بود.<sup>۲</sup>

دکتر حسین فاطمی هم افزایش قدرت دکتر مصدق را بر ارتش تأیید می کند و دو دیدگاه را بیان می کند: «تصفیه در ارتش و احساسات ملی»، که در این باره می گوید: «وفاداری نیروهای مسلح به شاه تا حدودی بر اثر تصفیه های مصدق در سطح فرماندهان عالی بود و تا اندازه ای احساسات ملی و ذاتی افسران جزء، نسبت به رژیم کاهش یافته بود.» اما «حقیقت این است که به استثنای گروهی از تیمساران و افسران ارشد بازنشسته وابسته به دربار و همچنین افسران پاکسازی شده که پس از رانده شدن از صفوف ارتش، عامل اجرای توطئه های ضد ملی شده بودند و پیروزی نهضت مردم ایران را به زبان خود می دانستند، اکثریت قریب به اتفاق کادر افسری و درجه داری، بخصوص افسران جوان، هواه خواه نهضت ملی بودند.»<sup>۳</sup>

۱- سینایی، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران ۱۳۵۷-۱۲۹۹، پیشین، ص ۴۳۹.

۲- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، پیشین، ص ۳۵۸.

۳- افراسیابی، بهرام، خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۶۶، ص ۱۹۴.

۴- نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، پیشین، صص ۳۸۵-۳۸۶.

عامل مهمی که ضربه سهمگینی به دولت مصدق وارد کرد از سوی کانون افسران بازنشسته بود. با آغاز سال ۱۳۳۲ کانون افسران بازنشسته بیانیه ای را خطاب به دکتر مصدق صادر کرد و در این بیانیه آمده که «آقای دکتر مصدق، وقتی شما در جلسه خصوصی مجلس ۱۹ اسفند ماه ... به مجلس پناهنده شدید فرموده بودید یا من یا شاه، تجمع اهالی پایتخت از ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ثابت کرد وفاداری ملت ایران به پادشاه خود تا چه حد است ... ما سربازان ... تا خون در بدن داریم نسبت به مقام سلطنت وفاداریم...»<sup>۵</sup>

دکتر مصدق در مورد افسران بازنشسته ارتش به دنبال رسیدگی مجدد و دوباره پرونده آنان بود. روزنامه آتش در شماره ۲۰ خرداد ماه خود می نویسد که: هفته گذشته دکتر مصدق به کمیسیونی که مأمور رسیدگی به کار افسرانی که به تازگی بازنشسته شده اند، دستور می دهد که تعدادی از این افسران را که شایستگی مراجعت به خدمت دارند را معرفی کند و از ۱۳۰ نفر افسری که به تازگی (در مرحله آخر) بازنشسته شده اند عده زیادی را دوباره به خدمت دعوت کند، که برای نمونه از سرگرد وحدت نام می برد.<sup>۶</sup>

از طرف دیگر دکتر مصدق تا اواخر دوره زمامداریش سعی می کرد که کار تصفیه افسران ارتش را ادامه دهد. روزنامه اطلاعات در ۱۳۳۲/۵/۱۷ می نویسد: «دو سرلشکر و چهار سرتیپ و سه سرهنگ بازنشسته شدند. افسران نیز که بین ۳۲ تا ۳۶ سال یا بیشتر سابقه خدمت داشتند بر اثر طول مدت خدمت بازنشسته شدند و ابلاغ آنها ... صادر شد. آقایان سرلشکر نصرالله مقبلی، سر لشکر عبدالله عمیدی، سرتیپ احمد طالب بیگی، سرتیپ نصر الله خلعت بری، سرتیپ علی معینی، سرتیپ اسکندر آیرم، سرهنگ سلیمان گیلان‌شاه، سرهنگ محمد حقیقی [و] سرهنگ محمد جمالپور.»<sup>۷</sup>

همچنین گفته می شود دولت می خواهد هر طوری که هست با اقدام سریع به خدمت افسران طرفدار شاه در ارتش خاتمه دهد و اگر میسر نشد آنها را به نقاط دور دست اعزام کند و یا پست های کوچکی که در حد درجه شان نباشد به آنها بدهد تا مجبور به استعفا شوند.<sup>۸</sup> به نظر می رسد که دولت دکتر مصدق برای در اختیار گرفتن کامل ارتش تا آخرین لحظه تلاش کرد. روزنامه داد در این مورد نوشت که «طبق دستور نخست وزیر برای جلوگیری از تورم درجات و اینکه تعداد افسران ارشد متناسب با افسران جز و افراد ارتش باشد، کمیسیونی مأمور بررسی قوانین و مقررات و آیین نامه های ترفیعات ارتش گردیده است ... ضمناً برای حفظ حقوق افسران و جلوگیری از رنجش آنها قرار شده است به جای ترفیع، اضافه حقوق به آنها داده شود.»<sup>۹</sup> در ۲۹ تیر ماه ۱۳۳۲ روزنامه آتش در این باره نوشت: کمیسیونی که برای رسیدگی به کاهش درجات از سرتیپ به بالا فعالیت می کند، یکی از تصمیماتش این است که کلیه فرماندهان لشکرها را که اکثراً دارای درجه سرهنگی و سرتیپی هستند را تعویض و به جای آنها افسران ناسیونالیست و افسرانی که دارای درجه سرهنگی هستند، استفاده کند.<sup>۱۰</sup>

اما افسران بازنشسته هم بیکار نمانده بودند؛ در تاریخ ۱۳۳۲/۳/۱۸ حدود ۴۰ نفر از افسران بازنشسته برای تعیین تکلیف خود در منزل آیت الله کاشانی متحصن شدند و در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۳۲ افسران بازنشسته نامه ای برای آیت الله کاشانی رئیس مجلس شورای ملی می نویسند، که در این نامه آمده است: «... تعداد ۱۳۶ نفر از افسران جوان ارتش که در بین آنان بهترین و لایق ترین و فاضل ترین افسران ارتش وجود دارد مدت ۵ ماه است که خلاف نص صریح قانون فقط به صرف اغراض شخصی با قوانین آزمایشی بازنشسته، و در تمام طول این مدت مجاری کلیه اقدامات مقصوره معمول و به اخذ کوچکترین نتیجه نائل نگردیده و حتی در کمیسیونی به ریاست سرلشکر باتمانقلیچ [برای] رسیدگی به عرایض با شرکت معاون پارلمانی نخست وزیر تشکیل شد حقانیت ما و اغراض مسلم اشخاص و مسئولین امر تأیید و صریحاً در نظریه کمیسیون شماره ۶۸۳۲-۱۳۳۲/۱/۱۸ بازرسی ناحیه ۵ قید و به عرض معظم له رسید. در این مرتبه هم کوچکترین نتیجه از عمل این کمیسیون عاید نگردیده است... ناگزیر اینجانب به سمت ریاست هیأت مدیره و نمایندگی این عده را دارد رأساً چاره را منحصر به فرد دیده و در دولت سرای

<sup>۵</sup>- برای اطلاع بیشتر از متن این بیانیه بنگرید به: روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۶۲۹، ۱۳۳۲/۱/۱۸، ص ۴.

<sup>۶</sup>- روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۵۸، ۱۳۳۲/۳/۲۰، صص ۱-۲.

<sup>۱</sup>- روزنامه اطلاعات، سال ۲۶، شماره ۸۱۵۹، ۱۳۳۲/۵/۱۷، ص ۸.

<sup>۲</sup>- روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۶۶۸، ۱۳۳۲/۳/۵، صص ۱-۲.

<sup>۳</sup>- روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۶۸۲، ۱۳۳۲/۳/۲۷، ص ۲.

<sup>۴</sup>- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۹۰، ۱۳۳۲/۴/۲۹، ص ۲.

ریاست معظم مجلس شورای ملی در آن واحد زعیم بزرگ ملی و مذهبی ما می باشند از روز ۱۷ ماه جاری تا تعیین تکلیف نهایی تحصنی اختیار نمودم. از طرف ۱۳۶ نفر افسران بازنشسته- سرهنگ صدرالدین نوابی<sup>۱</sup> در این تحصن فقط سرهنگ نوابی به نمایندگی از سایر افسران در منزل آیت الله کاشانی متحصن شد.

در ۶ تیر ماه ۱۳۳۲ روزنامه اطلاعات خبر می دهد که « معاون وزارت دفاع ملی سر لشکر مهنا استعفاء داد... دلیل این استعفاء افشای مذاکرات محرمانه کمیسیون نظام توسط چند نفر از وکلای مخالف دولت و اصرار آنها راجع به مداخله در امر بازنشستگی چند نفر از افسران ارتش می باشد. آقای سرلشکر مهنا طی گزارش خود به آقای نخست وزیر خاطر نشان نموده اند که مداخله و اظهار نظر اعضاء کمیسیون نظام در امور اداری ارتش از لحاظ مصالح ارتش مقتضی نبوده و ایجاد سابقه برای دخالت مقامات غیر نظامی در امور داخلی ارتش کرده موجب تزلزل اصول انضباط که پایه اصلی خدمت سربازی است خواهد شد و این عمل را دخالت قوه مقننه در قوه مجریه دانسته اند ...<sup>۲</sup>» در کمیسیون نظام مجلس که با حضور سرلشکر مهنا، کریمی، میر اشرافی، ذوالفقاری و پور سرتیب تشکیل شد، به پیشنهاد پور سرتیب قرار شد پرونده کمیسیونی که به مسأله بازنشستگی افسران پرداخته و آقای تیمسار باتمانقلیچ عضو آن بوده است به کمیسیون نظام مجلس آورده شود تا روی آن مطالعه شود.<sup>۳</sup>

مصدق قصد داشت با اخراج و سپس بکارگیری دوباره افسران به آنها نشان دهد قدرت واقعی دست کیست و آنها را وابسته و مدیون خود نماید، البته تصفیه ارتش یکی از اصولی ترین کارهای دکتر مصدق به حساب می آید اما عدم تسلط کافی بر افسران طرفدار سلطنت و هم چنین عدم کنترل سفارتهای خارجی مخصوصاً سفارت آمریکا که مقری برای توطئه افسران سلطنت طلب و بعداً فرماندهی کودتا شده بود، باعث تضعیف دولت مصدق شد و نهایتاً منجر به سقوط دولت ملی دکتر مصدق گردید. اگر چه دکتر مصدق در این راستا اقداماتی را انجام داد اما نتوانست در مقابل توطئه کودتا چپان که تصمیم به سرنگونی دولت او گرفته بودند دست به اقدامی سرنوشت ساز بزند.

کودتا بر علیه دولت ملی دکتر مصدق بیشتر از ناحیه افسران بازنشسته و سلطنت طلبان صورت گرفت اما نباید گردانندگان اصلی توطئه ضد ملی را که در رأس آن دشمنان خارجی آمریکا و انگلیس و در رأس دشمنان داخلی محمد رضا شاه پهلوی را نادیده گرفت. دکتر مصدق از خطر احتمالی فعالیت های خرابکارانه ی جاسوسان آمریکایی که در لباس مأمورین سیاسی، مستشاران نظامی و کارکنان اصل چهار در آمده بودند غافل بود. «در همان روز هایین «آلن دالس» رئیس سازمان «سیا»، «هندرسن» سفیر آمریکا در ایران، ژنرال «شوراتسکف» افسر عالی رتبه ی سیا و «اشرف پهلوی» در سویس ملاقات هایی برای طرح نقشه قطعی کودتا انجام می گرفت.<sup>۴</sup>

کودتا چپان از تصفیه ارتش به نحو احسن بهترین استفاده را بردند و برای موفقیت در کودتا بیشتر بر عناصر و رده های میانی ارتش تکیه کردند. در این کودتا روزولت به عنوان کارگردان اصلی کودتا با چند تن از افسران ارتش مثل سرلشکر زاهدی، سرتیپ گیلان‌شاه، سرهنگ عباس فرزندگان و سرهنگ نعمت الله نصیری رابطه مستقیم داشته است. کودتا چپان از پنج تیپ رزمی مستقر که در تهران وجود داشت و از صدها تن افسر و درجه داری که در پادگانهای تهران حضور داشتند، نتوانستند حتی یکی از یگان های رزمی را با خود همراه کنند. مخالفان دولت دکتر مصدق که می دانستند پادگان تهران اصولاً زیر فرمان و زیر نظر مستقیم دولت است، تصمیم گرفتند که با برخی از فرماندهان ارتش در استانهای دیگر تماس گرفتن و خواستند که با نیروهای تحت فرمان خود به سمت تهران حرکت کنند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون کنند و شاه را به قدرت برسانند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۶۱، ۱۳۳۲/۳/۲۵، صص ۱-۲. روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۶۷۸، ۱۳۳۲/۳/۲۱، صص ۱-۲.

<sup>۲</sup>- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۲۷، ۱۳۳۲/۴/۶، صص ۱-۷.

<sup>۳</sup>- روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۶۴، ۱۳۳۲/۳/۲۸، صص ۱-۲.

<sup>۴</sup>- گذشته چراغ راه آینده است، پیشین، ص ۶۴۸.

<sup>۵</sup>- ذبیح، ایران در دوران مصدق، پیشین، ص ۱۶۷.

به همین دلیل بود که در جهت جلب همکاری سرهنگ تیمور بختیار فرمانده زرهی کرمانشاه و سرتیپ محمد دولو، فرمانده لشکر اصفهان بر آمدند.<sup>۱</sup> افسران بازنشسته شده و ناراضی و طرفدار دربار به طور پنهانی درصدد و مشغول طراحی و اجرای کودتایی بر علیه دکتر مصدق بودند. «گروهی از فرماندهان نظامی که پس از سی تیر به دستور مصدق اخراج شده بودند با گردهمایی منظم در باشگاه افسران، کمیته نجات وطن را تشکیل دادند. در منشور کمیته نجات آمده بود که وظیفه میهنی افسران است تا در راه سلطنت و نیروهای مسلح بجنگند، با تدریوها مبارزه کنند و کشور را از آشوب و فروپاشی اجتماعی نجات دهند.»<sup>۲</sup>

شخصیت برجسته این کمیته سپهبد فضل الله زاهدی بود. همان طوری که در فصل گذشته اشاره کردیم سرلشکر زاهدی در ۱۳۳۲/۲/۱۴ به بهانه نداشتن امنیت و اعلامیه فرمانداری نظامی تهران برای دستگیری سرلشکر زاهدی در مجلس شورای ملی متحصن شد.

سرلشکر زاهدی در مصاحبه ای که با خبرنگاران روزنامه داشت به انتقاد از دکتر مصدق پرداخت، «ضمناً شایعاتی راجع باینکه من داوطلب نخست وزیر هستم منتشر گردیده بود در حالی که حقیقت امر این بود که من و تمام متفکرین و علاقمندان بکشور معتقد بودیم که با این رویه ای که پیش می‌رود وضع عمومی اصلاح نخواهد شد و اوضاع روز به روز خراب تر میگردد چه از نقطه نظر اقتصادی چه از نظر نظامی ... زیرا نمیتوان تحمل اوضاع ناگوار را نمود و با این جانب هم در این خصوص مذاکراتی بعمل آمد و من گفتم اگر حقیقتاً هیچکس حاضر نباشد قبول مسئولیت کند چون نمیتوان در روزهای تیر و سخت کشور شانه از زیر پاره مسئولیت خالی کرد من چون سرباز هستم در صورت مقتضی و صلاح بار هر مسئولیتی را بعهده می‌گیرم. این نظریه اینطور تعبیر شد که من ساعی هستم آقای دکتر مصدق را بر کنار نموده و خود جانشین ایشان بشوم ...»<sup>۳</sup>

انگلیسی ها و آمریکایی ها دو طراح کودتا در مورد انتخاب سرلشکر زاهدی به عنوان نخست وزیر پس از سقوط دولت دکتر مصدق به توافق رسید بودند. شاه از اینکه دوباره یک نظامی نخست وزیر می‌شد نگران و هراسان بود. ولی در دیداری که بین شاه و کریمیت روزولت انجام شد، روزولت شاه را دلدار می‌داد که، دوره زمامداری زاهدی کوتاه مدت خواهد بود و دوکشور انگلیس و آمریکا از سلطنت شاه حمایت خواهند کرد.<sup>۴</sup>

به نظر می‌رسد که از نظر آمریکایی ها و انگلیسی ها سرلشکر زاهدی تنها فردی بود که قدرت توانایی مقابله با دکتر مصدق را داشت. همچنین عده ای از سیاستمدارانی که در طی هفته گذشته با علاء مذاکره کرده اند بر آن بودند «که اگر شاه نجنبد و باز هم دست به دست کند ممکن است خیلی دیر شود و دیگر کاری برای نجات ایران میسر نباشد. از نظر این سیاستمداران مناسب ترین شخص برای جایگزینی دکتر مصدق ژنرال زاهدی است که مورد تأیید رهبرانی چون کاشانی، حائری زاده، بقایی، برادران ذوالفقاری و بسیاری از عناصر محافظه کار دیگر در ارتش می‌باشد. مکی هم شاید به حمایت از او برخیزد. زاهدی ... ملاقاتی محرمانه با علاء داشته و گفته است در صورتی حاضر به قبول نخست وزیری خواهد بود که شاه علناً از او درخواست کند و حمایت از او را بر عهده گیرد.»<sup>۵</sup>

در ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۲ سرلشکر زاهدی که از جانب دکتر معظمی رئیس مجلس شورای ملی با تأمینی که از لحاظ حفظ جان و امنیت به او داده شده بود و به مناسبت سالگرد قیام سی ام تیر تظاهراتی در بهارستان صورت خواهد گرفت و احتمال خطر وجود دارد و سرلشکر زاهدی بو برده بود که مجلس در شرف انحلال است، از تحصن در مجلس خارج شد و به دهکده ای

<sup>۴</sup> - نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، پیشین، ص ۳۸۶.

<sup>۱</sup> - آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۳۴۲.

<sup>۲</sup> - روزنامه اطلاعات، سال ۲۷، شماره ۸۱۰۹، ۱۳۳۲/۴/۱۳، ص ۴.

<sup>۳</sup> - آرامش، احمد، « احمد آرامش، از اسرار کودتا ۲۸ مرداد پرده برمی‌دارد»، کودتای ۲۸ مرداد، عملیات آجاکس، کهکشان، دوره ۳، شماره ۲۲، ۱۳۷۱، ص ۹۵.

<sup>۱</sup> - موحّد، خواب آشفته نفت، جلد ۲، پیشین، ص ۷۱۹.

در اطراف تهران [حصارک] رفت تا مبارزه مخفی خود را با مصدق آغاز کند.<sup>۱</sup> وودهاوس معتقد است که «قبل از اخراجمان از تهران من با او [سرلشکر زاهدی] در تماس بودم و روشن بود که آمریکایی ها نیز بعد از عزیمت ما با او رابطه داشتند.»<sup>۲</sup> به دنبال انتشار این خبر محافل دولتی می گفتند: «با شرایط سیاسی موجود و پراکندگی و چند دستگی شدیدی که پس از زمامداری مصدق در ارتش به وجود آمده، برای یک کودتای نظامی در ایران زمینه وجود ندارد.»<sup>۳</sup> دکتر مصدق لایحه انتقال رهبری ارتش از شاه را به نخست وزیر تقدیم مجلس کرده و خواهان تصویب آن شده بود. مخالفان دکتر مصدق در برابر این لایحه واکنش تندی نشان دادند و با ترک مجلس مانع از تصویب آن شدند. دکتر مصدق چند بار دیگر این لایحه را تقدیم مجلس کرد اما هر بار با اقدام به موقع مخالفان مواجه می شد. دکتر مصدق به این نتیجه رسید تا زمانی که مجلس هفدهم در رأس کار است نمی توان کنترل ارتش را از دست شاه خارج کند. «بدین ترتیب بود که وی به فکر تعطیلی مجلس افتاد و چند روز بعد استعفای دسته جمعی نمایندگان جبهه ملی فرماندهی سراسری در کشور برگزار کرد تا مردم ایران در خصوص تعطیلی مجلس هفدهم تصمیم گیری کنند.

#### ۶ - نتیجه گیری:

ارتش نوین ایران از ابتدا زیر نظر مستقیم شخص رضاشاه شکل گرفت. در نتیجه فرماندهان ارتش نیز تداوم قدرت و موفقیت خویش را در وفاداری به شخص رضاشاه دنبال می کردند. موقعیت فردی افسران و فرماندهان ارتش به بقا و بهبود توسعه ارتش و افزایش قدرت شخص شاه پیوند داشت. با هجوم نیروهای انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ پایه های استبدادی رضاشاهی فرو ریخت. برکناری رضاشاه در فروپاشی ارتش مؤثر بود و نارضایتی های سرکوب شده شانزده سال بیرون ریخت. در سال های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ تنها دوره طولانی تاریخ معاصر ایران است که در آن فضایی باز سیاسی وجود داشت. در این دوران ارتش با حمایت هایی که از طرف شاه و آمریکایی ها دریافت می کرد به نهایت قدرت خود رسیده بود. هنگامی که دکتر مصدق به نخست وزیری منصوب شد تعجب همگان را برانگیخت. در دوران نخست وزیری دکتر مصدق سه سازمان نظامی فعال بودند. سازمان افسران حزب توده که از نظر سیاسی تابع سیاست های حزب توده بودند. سازمان افسران ناسیونالیست نقش تعیین کننده ای را در جهت حمایت از نهضت ملی مردم ایران و دولت ملی دکتر مصدق بر عهده داشتند. اما به دنبال این دو سازمان، کانون افسران تصفیه شده علیه دولت ملی دکتر مصدق بود و این کانون محلی شده بود برای اعمال نفوذ و توطئه علیه کابینه دکتر مصدق. برای نمونه می توان از نقش این کانون در وقایع ۹ اسفند ماه و ماجرای قتل افشار طوس اشاره کرد. در تیر ماه ۱۳۳۱ هنگامی که دکتر مصدق اسرار شاه را در تعیین وزیر جنگ مشاهده کرد در صدد استعفاء برآمد. حذف افشار طوس باعث توقف جریان اصلاحات در دستگاه فساد شهربانی شد و این توطئه باعث قدرت یافتن افراد نالایق و مزدور دربار و بیگانه شد. از طرفی تسلط دولت بر شهربانی که از جمله دستگاه های مهم اطلاعاتی کشور بود، از بین رفت و افرادی که مدت ها منتظر فرصت بودند تا دولت را با مشکل و نهایتاً سرکوب کنند و به بهانه شکنجه ی متهمان پرونده قتل افشار طوس، دولت را استیضاح کنند. چون دکتر مصدق در نظر داشت که وزارت جنگ را از زیر نظر و سلطه شاه خارج کند و این اقدام دکتر مصدق مطابق قانون اساسی بود. البته دکتر مصدق می دانست که شاه حاضر نخواهد شد که نخست وزیری و وزیر جنگ باشد یا وزیری برای این پست تعیین کند.

با به دست گیری وزارت جنگ توسط دکتر مصدق و اقدام به تصفیه فرماندهان ارتش، جابه جایی فرماندهان عالی این عمل موجب بروز مشکلاتی در دولت دکتر مصدق شد و از آنجایی که ارتش پیوند خود را در سلطنت پهلوی می دانست هرگونه اقدامی را که به این پیوند ضربه می زد، در مقابل آن عکس العمل نشان می دادند. ناکامی دکتر مصدق در برخورد با عوامل قتل افشار طوس فرمانده شهربانی و همچنین برخورد مسالمت آمیز وی با عوامل قاتله ۹ اسفند ۱۳۳۱ نمونه هایی از این مشکلات

<sup>۱</sup>- ذبیح، ایران در دوران مصدق، پیشین، صص ۱۶۶-۱۶۷. روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۴۶، ۱۳۳۲/۴/۲۹، صص ۱-۴.

<sup>۲</sup>- وودهاوس، سی. ام، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، شرح عملیات چکمه (آجاکس)، ترجمه نظام الدین دربندی، تهران، نشر رهنما، ۱۳۶۴، صص ۵۶.

<sup>۳</sup>- همان، سال ۶، شماره ۱۲۸۸، ۱۳۳۲/۴/۲۷، صص ۱-۲.

هستند. اوضاع آشفته ی کشور و وجود دسیسه ها و کارشکنی های دربار و عمال خارجی در نهایت کودتای ۲۸ مرداد را موجب شد و مهم تر از همه ناکامی دکتر مصدق در روزهای کودتا بود.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نتیجه همکاری شاه، آمریکا، انگلیس و افسران تصفیه شد علیه دولت ملی دکتر مصدق بود. علت ناتوانی دولت دکتر مصدق در ایام کودتا به این دلیل بوده است که وی به فکر حفظ سلطنت مشروطه بود و بجای آن که به دنبال دستگیری و سرکوب کودتاچیان باشد به تسامح عمل کرده است. چون دکتر مصدق از این نگران بود که کودتایی از طرف حزب توده انجام شود. در رویدادهای مرداد ۱۳۳۲ امتناع شاه از پذیرش نتیجه همه پرسی انحلال مجلس هفدهم، فرمان عزل دکتر مصدق و انتخاب زاهدی به نخست وزیری در عزم و اراده ی نظامیان به جابجایی دولت دکتر مصدق مؤثر واقع شد. رویدادهای مرداد ۱۳۳۲ آغازگر یک فراگرد مشروعیت زدایی بود که اعتبار حکومت را دستخوش فرسایش کرد و به تدریج شکاف میان نخبگان و بقیه ی جامعه را بیشتر کرد.

### منابع

- آرامش، احمد، « احمد آرامش، از اسرار کودتا ۲۸ مرداد پرده برمی دارد»، کودتای ۲۸ مرداد، عملیات آجاکس، کهکشان، دوره ۳، شماره ۲۲، ۱۳۷۱، ص ۹۵.
- افراسیابی، بهرام، خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۶۶، ص ۱۹۴.
- پهلوی، محمد رضا، پاسخ به تاریخ، به کوشش شهیریار ماکان، تهران، نشر البرز، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.
- ترکمان، محمد، نامه های دکتر مصدق، جلد ۱، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴، ص ۲۴۱. روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۸، ۱۳۳۲/۵/۲۷، صص ۱-۴.
- تکمیل همایون، ناصر، تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۶، صص ۹-۱۱.
- رایزان، جیمز، تاریخ محرمانه ی کودتای ۲۸ مرداد سازمان سیا در ایران، ترجمه پرویز صداقت، نشریه اندیشه جامعه، ۱۲، بازیابی ۴۰۳۷۲۰، ۱۰، ص ۴.
- روزولت، کریمت، کودتا در کودتا، مترجم انتشارات جاما، تهران، انتشارات جاما، ص ۱۹۳.
- سفری، محمد علی، قلم و سیاست، از استعفاء رضا شاه تا سقوط مصدق، تهران نشر نامه، ۱۳۷۱، ص ۸۹۵.
- گازیورسکی، مارک، ج، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، تهران، سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۳، صص ۳۵-۳۷.
- مکی، حسین، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رویدادهای متعاقب آن، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۴.
- موحد، محمد علی، گفته ها و ناگفته ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، تعلیقه ای بر کتاب خواب آشفته نفت، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۷۹، ص ۳۱.
- نجاتی، غلامرضا، «کودتای ۲۸ مرداد»، ایران فردا، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۷۱، ص ۸.
- وطن دوست، غلامرضا، اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دکتر مصدق، با همکاری حسن زنگنه و رضا دهدشتی، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، صص ۳۱-۳۲.
- وود هاوس، سی. ام، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، شرح عملیات چکمه (آجاکس)، ترجمه نظام الدین دربندی، تهران، نشر رهنما، ۱۳۶۴، ص ۵۶.
- روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۵۸، ۱۳۳۲/۳/۲۰، صص ۱-۲.
- روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۶۴، ۱۳۳۲/۳/۲۸، صص ۱-۲.
- روزنامه آتش، سال ۶، شماره ۱۲۸۷، ۱۳۳۲/۴/۲۵، صص ۱-۲.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۶، شماره ۸۱۵۹، ۱۳۳۲/۵/۱۷، ص ۸.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۷، شماره ۸۱۰۹، ۱۳۳۲/۳/۱۳، ص ۴.

- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۲۷، ۱۳۳۲/۴/۶، صص ۱-۷.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۵۳، ۱۳۳۲/۵/۷، صص ۱-۷.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۵۸، ۱۳۳۲/۵/۱۵، صص ۱-۱۱.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۲، ۱۳۳۲/۵/۲۰، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۶، ۱۳۳۲/۵/۲۵، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۶، ۱۳۳۲/۵/۲۵، ص ۴.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۷، ۱۳۳۲/۰۵/۲۶، ص ۷.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۷، ۱۳۳۲/۵/۲۶، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۸، ۱۳۳۲/۵/۲۷، صص ۱-۴-۱۲.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۸، ۱۳۳۲/۵/۲۷، ص ۱۱.
- روزنامه اطلاعات، سال ۲۸، شماره ۸۱۶۹، ۱۳۳۲/۵/۳۱، ص ۸.
- روزنامه داد، سال ۱۱، ۲۶۸۲، ۱۳۳۲/۳/۲۷، ص ۲.
- روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۶۶۸، ۱۳۳۲/۳/۵، صص ۱-۲.
- روزنامه داد، سال ۱۱، شماره ۲۷۳۰، ۱۳۳۲/۵/۲۷، صص ۱-۲.
- روزنامه شاهد، شماره ۱۰۱۴، ۱۳۳۲/۵/۲۶، ص ۱.

